



The Relationship between Image and Text in Child Interaction in Stories by Mohammed al-Abd based on Perry Nodelman's Theory

Aliasghar Habibi*

Associate Professor in Arabic language and literature, University of Zabol(ali_habibi@uoz.ac.ir)

Abdoolbaset Arab Yousefabadi

Assistant Professor in Arabic language and literature, University of Zabol

Mojgan Bayat Kashkooli

M.A of Arabic language and literature, University of Zabol

*-Received on: 05/06/2020

Accepted on:05/09/2020

-DOI: 10.30479/lm.2020.13345.3034

© xxxx Imam Khomeini International University. All rights reserved

Abstract

The children's visual stories should familiarize them with the two linguistic and visual structures, eliminating their focus from text to image and vice versa and assisting them in understanding the story's information and contributing effectively and purposefully. Perry Nodelman, a theorist in the field, argues that the correct relationship between image and text happens when both share or extend each other with specific characteristics. Otherwise, the relationship between image and text is incorrect. In order to provide a suitable context for the child's involvement with the text, he introduces certain characteristics in the analysis and critique of the correct and incorrect relation between the image and the text. The present study attempts to evaluate and critically review the descriptive-analytic method of several selected child stories by Mohammad al-Abd on the basis of these characteristics. The results show that most of these stories (94%) have a correct relation between text and image. Moreover, the image and text extension index plays a large role (61%) in the correct relation between text and image. Accordingly, the storyteller and painter became aware of the child's world and his or her interests and desires and provided a deep link between the image and the context of the stories and the child's understanding of the story's information correctly, providing the context for the child's involvement with the image and the text.

Keywords: Image, Text, Perry Nodelman, Developmentalism, Child Interaction, Mohammed al-Abd.

ارتباط تصویر و متن در تعامل کودک با داستان‌های کودکانه محمد العبد براساس

نظریه پری نودلمن*

علی اصغر حبیبی، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه زابل

عبدالباسط عرب یوسف آبادی، استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه زابل

مژگان بیات کشکولی، کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه زابل

چکیده

داستان‌های مصور کودکانه باید به گونه‌ای طراحی شوند که به صورت توأمان کودک را با دو رسانه زبانی و دیداری آشنا نموده و چرخش ناگهانی تمرکز وی از متن به تصویر و بالعکس، کودک را در درک اطلاعات داستان و تعامل اثربخش دچار نارسایی ننماید. پری نودلمن از نظریه پردازان این حوزه معتقد است که رسایی ارتباط تصویر و متن در صورتی است که هر دو، با شاخصه‌هایی خاص یا با یکدیگر همسو باشند و یا همدیگر را توسعه دهند؛ در غیر این صورت، ارتباط تصویر و متن، ارتباطی نارساست. وی در راستای فراهم آوردن بستری مناسب برای تعامل کودک با متن، شاخصه‌های معینی را در نقد رسایی و نارسایی تصویر و متن معرفی می‌کند و کارکرد تصویر و متن را از لحاظ چگونگی انتقال اطلاعات به مخاطب کودک در کانون توجه قرار می‌دهد. در پژوهش حاضر تلاش بر آن است با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی چند داستان کودکانه منتخب از محمد العبد؛ نویسنده معاصر مصری در حوزه ادبیات کودکان، بر اساس این شاخصه‌ها مورد ارزیابی و نقد قرار گیرد. علت اصلی گزینش این داستان‌ها آن است که نویسنده در داستان‌های مذکور به صورت عامدانه و از پیش اندیشیده، تناسب میان متن و تصویر را در جهت انتقال اطلاعات و حصول اهداف مدنظر و نهایتاً ایجاد تعامل کودک با داستان، در کانون توجه قرار داده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در این داستان‌ها رسایی ارتباط تصویر و متن از بسامد بالایی (۹۴٪) برخوردار است. همچنین شاخصه توسعه‌گرایی تصویر و متن سهم بسزایی (۶۱٪) در رسایی این ارتباط دارد. بر این اساس داستان‌نویس و تصویرگر نسبت به دنیای کودک و علایق و خواسته‌های او آگاهی داشته و با ایجاد پیوندی ژرف میان تصویر و متن داستان‌ها و درک درست اطلاعات داستان توسط کودک، موجبات تعامل کودک با تصویر و متن را فراهم آوردند.

کلمات کلیدی: تصویر، متن، پری نودلمن، توسعه‌گرایی، تعامل کودک، محمد العبد.

*-تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۳/۱۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۶/۱۵

-نشانی پست الکترونیکی (نویسنده مسؤول): ali_habibi@uoz.ac.ir

-شناسه دیجیتال (DOI): 10.30479/lm.2020.13345.3034

۱- مقدمه

یکی از مهارت‌های اساسی کودک، مهارت شناخت خود و محیط اطراف و تعامل سازنده با آن است. «ادبیات کودک ازجمله ابزارهایی است که کودک را به شناخت ویژگی‌ها، نقاط ضعف و قوت، خواسته‌ها و تمایلات خود رهنمون می‌سازد و او را با محیط اطرافش آشنا می‌کند» (بریغش، ۱۹۹۶م: ۳۹). اهمیت دادن به ادبیات کودک، ارزش‌بخشیدن به آینده‌ای روشن برای جامعه انسانی است؛ زیرا «ادبیات کودک مجموعه‌ای از آموزه‌ها و شناخت را به کودک ارائه می‌دهد که با انتخاب درست و دقیق، هدف آموزشی و تربیتی کودک محقق می‌گردد» (محمد عطاء، ۱۹۹۴م: ۶۱).

آثار ادبی کودک که برپایه ذوق و سلیقه کودک نگاشته می‌شود و علاوه بر سرگرم کردن او، وظیفه پرورش فکری و ذهنی او را نیز عهده‌دار است (عرب یوسف‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۴)؛ می‌تواند از کودک شخصیتی بسازد که توانایی تعامل با دنیای واقعی را به دست آورد و شخصیت و قوه تفکرش را رو به رشد قراردهد. در این راستا، آن ادبیات کودکی موفق است که با واژگان و ساختارهای زبانی متناسب با درک کودک و آمیزش آن با تصاویر و نقاشی، ساختار معمول تفکر او را برهم‌زده و او را به انطباق تصویر با متن و درک درست اطلاعات متن سوق دهد. چنین متونی در فرایندی سازنده و با مشارکت دادن کودک در روند ارائه متن او را تشویق نموده که رسایی تصویر و متن را کشف نماید و در ادامه زمینه را برای تعامل ذهنی و احساسی کودک با تصویر و متن فراهم آورد. امری که منجر به تقویت قوه تفکر و ارتقای مهارت‌های فکری و فرهنگی و افزایش اعتماد به نفس کودک می‌شود.

برخی از آثار کودکانه چنان‌اند که کودک به هنگام بررسی و یا مطالعه آن، با واکنش عینی خود نشان می‌دهد که این اثر متعلق به اوست؛ از طرفی، کودک فرایند خواندن را با مطالعه تصویر آغاز می‌کند و با کسب و گسترش خواندن کم‌کم به متن روی می‌آورد؛ بنابراین «تصویر در ادبیات کودک، در بسیاری موارد همچون متن و در مواردی خاص حتی بیشتر از متن در انتقال مفاهیم، احساسات و تخیلات به کودک نقش دارد» (نیروخ، ۲۰۰۴م: ۲۹). تصویر و متن در داستان‌های کودک گاه با رابطه‌ای ناهمسان یا فراتر از یکدیگر، با خلق شکاف‌هایی چالش‌برانگیز، زمینه حضور کودک را در فرایند خواندن فراهم می‌آورند و گاه با هماهنگی مخاطبی منفعل را می‌طلبند.

تصاویر کتاب‌های تصویری کودکان، نقش سازنده‌ای در ایجاد خلاقیت ذهنی کودک و سواد بصری وی دارد. ازجمله نقش‌های تصویر در این کتاب‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «صفحه‌آرایی، ارتقای متن، تفسیر متن، افزایش درک دیداری، فراهم آوردن اطلاعات دیداری و برانگیختن حس زیبایشناسی» (همان: ۳۱). برخی از ناقدان این حوزه نیز کارکردهای دیگری را برای تصویر در داستان‌های مصور کودک برشمرند؛ از آن جمله «جهت‌دهی تخیل کودک، آموزش اعداد و واژگان، آموزش استفاده صحیح

از چینش رنگ‌ها، غلبه حجم تصویر بر نوشتار و اغراق در تصویر» (صفاری، ۱۳۹۳ش: ۳). از این سخنان می‌توان دریافت که در داستان‌های مصور، اگر متن داستان، بدون ارتباط با تصویر خوانده شود، جملات بدون ارتباط با یکدیگر؛ غیرمنسجم و ناقص به نظر می‌رسند؛ زیرا زبان کلامی به تنهایی عهده‌دار بیان داستان نیست.

با توجه به اهمیت تصویر در ادبیات کودک، پژوهشگران و منتقدان بسیاری این مسأله را دغدغه اصلی پژوهش‌های خود قرار داده‌اند؛ از آن‌جمله باردز (۱۹۹۷م: ۴) ارتباط تصویر و متن را شامل سه نوع تصویر مبتنی بر متن، متن مبتنی بر تصویر، تصویر و متن منطبق بر هم می‌داند. مارش و وایت (۲۰۰۳م: ۶) نیز ویژگی هم‌پوشانی و گریز را به‌عنوان شاخصه ارزیابی خود قرار داده و سه نوع تصویر را تفکیک می‌کنند: تصاویری که ارتباط کمی با متن دارد، تصاویری که ارتباط نزدیکی با متن دارد و تصاویری که فراتر از متن است. مارتینز و سالوی، ارتباط تصویر و متن را از نظر ارتباط معنایی به دو نوع گسترشی و روشنگر تقسیم نموده و از نظر ارتباط شکلی به دو نوع تصویر و متن با پایه برابر و تصویر و متن با پایه نابرابر تقسیم می‌کنند.

اما پری نودلمن با نظر به آراء نظریه‌پردازان پیشین، چارچوبی استوارتر برای بررسی موشکافانه ارتباط تصویر و متن در کتاب‌های کودک ارائه نمود (پیروز و دیگران، ۱۳۹۵ش: ۷). او معتقد است که اجزای این چارچوب کودک را از حالت گنش‌پذیری خارج و به‌عنوان شخصیتی گنش‌گر در طول داستان وارد می‌نماید؛ لذا برای رسایی ارتباط تصویر و متن شش نوع رابطه تعریف نموده است: همسوگرایی تصویر و متن (۱). تأییدگری (۲). مکملی (۳). توسعه‌گرایی تصویر و متن (۴). دوقطبی فزون‌متنی و فزون‌تصویری (۵). دوقطبی برون‌متنی و برون‌تصویری (۶). دوقطبی فرامتنی و فراتصویری). علاوه بر این نودلمن تأکید می‌کند که تصاویر و متن برخی از کتاب‌های کودک دارای این شش رابطه نیست، در این صورت است که ارتباط تصویر و متن ارتباطی نارسا و نادرست است.

در پژوهش حاضر تلاش می‌شود با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به الگوی پری نودلمن، شاخصه‌های رسایی و نارسایی ارتباط تصویر و متن در چند داستان منتخب از داستان‌های کودکان مصور محمد العبد که کارکرد متن و تصویر را از لحاظ چگونگی انتقال اطلاعات به مخاطب کودک در کانون توجه قرار داده و دارای تصویرگری مناسب است، مورد بررسی قرارگیرد.

برای تحقق این هدف، تمام تصاویر و متن‌های مرتبط با آن‌ها که در راستای موضوع، اهداف و پرسش‌های پژوهش قرار می‌گیرد، گردآوری شد. برای بررسی داده‌ها و دستیابی به نتیجه مناسب از روش تحلیل محتوا استفاده شد و با تکیه بر نظریه پری نودلمن، در جدول مخصوص دسته‌بندی شد تا بستری مناسب برای بررسی موضوع و محتوای آن‌ها فراهم گردد. برای عینی‌ترشدن تحلیل و امکان

بررسی سنجیده‌تر، بسامد و درصد داده‌ها اندازه‌گیری شد و به کمک آمار توصیفی و استنباطی، نتایج پژوهش تفسیر گردید. سؤالاتی که جستار پیش روی درپی پاسخگویی به آن است:

- ارتباط تصویر و متن در داستان‌های منتخب چگونه زمینه‌های تعامل کودک با داستان را فراهم می‌آورد؟

- برجسته‌ترین کارکرد رابطه تصویر و متن در داستان‌های منتخب کدام است؟

نکته قابل ذکر آن‌که جهت سهولت بررسی و تکرار اصطلاحات نظریه نودلمن، عنوان‌بندی انواع روابط نظریه نودلمن توسط پژوهشگران مقاله انجام شده است؛ اما در مبنا و اجزای نظریه وی هیچ‌گونه تغییری صورت نپذیرفته است.

جامعه آماری پژوهش، تصاویر و متن‌های مستخرج از داستان‌های زیر است که همگی در سال ۱۹۹۹م با قلم محمد العبد و تصویرگری هشام حسین چاپ شده است: «القنبرة والفیل»؛ «المکاء الطائر والسرطان»؛ «البوم والغریبان»؛ «الحمامة المطوقة»؛ «الجرذ والسنور»؛ «القرود والغیلیم»؛ «الصفرد والأرنب والسنور»؛ «الأسد والثور»؛ «ابن الملک وابن الشریف»؛ «السائح والصانع».

ضرورت پژوهش حاضر از آن‌جا مشخص می‌شود که نتایج آن، داستان‌نویسان را متوجه ارزش‌های تصویر و تأثیر آن بر متن داستان می‌نماید و زمینه‌ای مناسب برای برقراری ارتباط‌های ضروری بین تصویرسازی داستان‌های کودک بر اساس رابطه تصویر و متن ایجاد می‌کند؛ زیرا در داستان‌های مصور هم از طریق متن و هم از طریق تصویر با کودک ارتباط برقرار می‌شود. متن، تصاویر را پوشش و گسترش می‌دهد و تصاویر، متن را و این دو به شکل اجتناب‌ناپذیری معنای یکدیگر را تقویت و یا تغییر می‌دهند.

۱-۱- پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی به بررسی ارتباط تصویر و متن پرداخته‌اند؛ از آن‌جمله: الفضلی (۲۰۱۰م) در پایان‌نامه «ثقافة الصورة ودورها فی إثراء التذوق الفني لدى الملتقي» معتقد است با بررسی نشانه‌شناسانه تصاویر در کتاب‌های مصور می‌توان به نقش مثبت آن در اثرگذاری فنی بر مخاطب پی برد. حسام‌پور، سعید و ملیحه مصلح (۱۳۹۳ش) در مقاله «تارنمای برهم‌کنشانه متن و تصویر با بررسی تطبیقی کتاب-های برتر داستانی تصویری ایرانی و غیر ایرانی بر پایه نظریه ماریا نیکولایوا و کارول اسکات»، مجله مطالعات ادبیات کودک، شماره ۲، رابطه متن و تصویر را در کتاب‌های برتر داستانی تصویری ایرانی و غیر ایرانی مقایسه نموده‌اند و بیان داشته‌اند که این داستان‌ها از نظر رابطه متن و تصویر، تفاوت‌های چشمگیری دارند.

همچنین تعدادی پژوهش یافت شد که به بررسی رابطه تصویر و متن در داستان‌های کودک می‌پردازد. از آن‌جمله: علائی (۱۳۸۹ش) در پایان‌نامه «بررسی ارتباط متن و تصویر در تصویرسازی

کتاب‌های کودکان» معتقد است؛ استفاده از صور خیال به همان میزان که در خیال‌انگیزی متن ادبی تأثیرگذار است، می‌تواند در لایه‌لایه کردن معانی و زیبایی یک تصویر نیز نقش اساسی ایفا کند. اقبالی (۱۳۹۰ش) در پایان‌نامه «تبیین رابطه تصویر و متن در تصویرسازی کتاب‌های داستانی کودک در ایران از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۰» ۵۰ نمونه از کتاب‌های تصویری کودک را مورد تحلیل قرار داده و نتیجه گرفته است که تصویرسازی کتاب‌های داستانی کودک در دو دسته کلی ارائه شده‌اند؛ ابتدا تصاویری که مغایر با متون داستانی هستند و از متن پیروی نمی‌کنند و دیگری تصویرسازی‌هایی که بیان‌کننده متن‌ها و معناهاى داستانی کتب هستند. صفاری (۱۳۹۳ش) در مقاله «بررسی ساختارهای تصویرگری کتاب کودک و نوجوان» در نشریه چیدمان شماره ۷، تصویرسازی کتاب‌های کودک را بر اساس، محتوا، سن مخاطب، سبک‌های نقاشی، نحوه رنگ‌گذاری، صفحه‌آرایی، نحوه صحافی و تکنیک اجرایی دسته‌بندی کرده و نتیجه گرفته است که تصویرگر با انتخاب یک یا چند راه متناسب با متن می‌تواند تأثیر بیشتری بر مخاطب بگذارد. پیروز و دیگران (۱۳۹۵ش) در مقاله «بررسی هم‌پیوندی متن و تصویر در شش داستان دفاع مقدس کودکان بر اساس نظریه پری نودلمن» در مجله مطالعات ادبیات کودک، شماره ۲، ضمن بررسی تصاویر این داستان‌ها چنین نتیجه گرفته است که در همه این داستان‌ها تصاویر یا پیام متن را تأیید می‌کنند، یا نارسایی و کم کاری دارند و حتی قابلیت تأییدکردن اطلاعات موجود در متن را ندارند. تصاویر این داستان‌ها نتوانسته‌اند اطلاعاتی فراتر از متن را در اختیار مخاطب کودک قرار دهند؛ بنابراین در ابتدایی‌ترین حالت انتقال اطلاعات هستند.

باتوجه به پیشینه یادشده، چنین دریافت شد که تاکنون هیچ پژوهشی به بررسی ارتباط تصویر و متن در داستان‌های کودکان عربی نپرداخته‌است و این نخستین پژوهشی است که داستان‌های محمد العبد را از این منظر و با تکیه بر نظریه نودلمن مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- جایگاه تصویر و متن در داستان کودک

در داستان‌های مصور کودک، متن بسیار کوتاه است و بخشی از وظیفه پی‌رفت داستان به عهده تصویر است؛ بنابراین این گونه ادبی، کودک را به مشارکت جدی فرا می‌خواند. «هنگامی که متن داستان برای کودک خوانده می‌شود، او به جست‌وجو در دنیای تصویر، کتاب را بالا و پایین می‌کند» (اقبالی، ۱۳۹۰ش: ۱۲۱). تصاویر داستان، توجه کودک را جذب نموده و حس کنجکاوی و تحلیل‌گری را در او برمی‌انگیزد؛ لذا کودک به طور ناخودآگاه قصد انطباق تصویر و متن را دارد (عبیده صبطی، ۲۰۱۱م: ۳۸). داستان‌های مصور کودک از طریق مجموعه‌ای از تصاویر همراه با متنی کمابیش اندک یا بدون متن، اطلاعاتی را به کودک منتقل نموده و داستان را برای او بازگو می‌کند (البرزی، ۱۳۹۴ش: ۳).

۲-۲- چارچوب نظری پژوهش

نودلמן معتقد است تصاویر داستان‌های مصور در آموزش و بلوغ کودک اهمیتی خاص دارد؛ زیرا «کودک را در درک درونمایه و موضوع داستان، با دو رسانه کاملاً متفاوت، یعنی زبانی و دیداری روبرو می‌سازد و موجبات تمرکززدایی کودک از متن به تصویر و بالعکس می‌شود» (نودلמן، ۱۳۸۹ ش ب: ۱۰۰). از نظر او مهم‌ترین وظیفه تصویر انتقال اطلاعات است. نودلמן ارتباط صحیح تصویر و متن را ارتباط رسا می‌خواند و برای درک آن شش شاخصه معرفی می‌کند. همچنین از نظر او اگر تصویری، این شش شاخصه را نداشته باشد، ارتباط آن با متن، ارتباطی نارسا است. در زیر به هر یک از این شاخصه‌ها با مصادیقی از داستان‌های موردنظر پرداخته می‌شود. به دلیل ناقص بودن تقسیم‌بندی‌های نودلמן، نویسندگان این مقاله با عنوان‌هایی جدید آن را ارائه کرده‌اند.

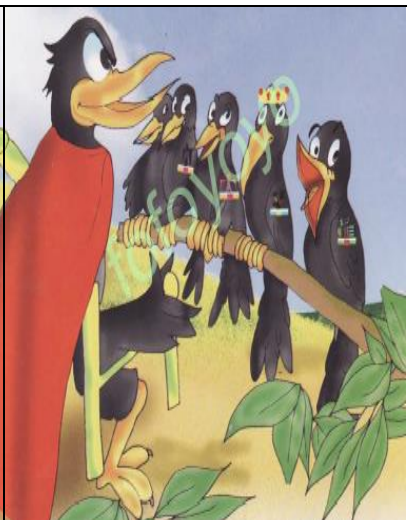
۲-۲-۱- همسوگرایی تصویر و متن

منظور از همسوگرایی این است که تصویر و متن در راستای یکدیگر حرکت کنند؛ یعنی هر دو اطلاعات همدیگر را تأیید و یا تکمیل کنند. از این‌رو همسوگرایی تصویر و متن به دو نوع تأییدگر و مکمل تقسیم می‌شود.

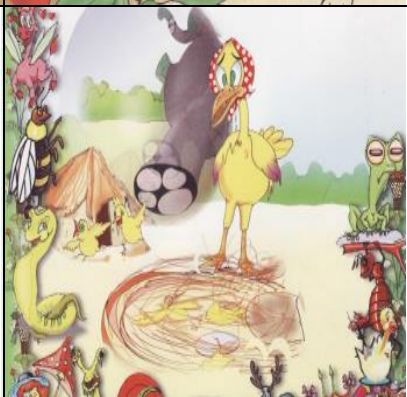
۲-۲-۱-۱- تصویر و متن تأییدگر

در تصاویر زیر تصویر با متن هم‌خوانی دارد و آن را تأیید می‌کند و سبب درک بهتر آن می‌شود؛ زیرا «تصویر شرایطی را برای کودک فراهم می‌آورد تا معنی برخی از واژگان موجود در متن را در ذهن خود مجسم سازد» (ابوالفرج، ۱۹۹۶ م: ۱۲۶). در چنین شرایطی است که کودک با داستان در کمترین زمان ممکن ارتباط برقرار می‌کند. این نوع تصاویر با بسامد ۴۶ (۰/۲۱) کارکرد قابل ملاحظه‌ای در داستان‌های منتخب از محمد العبد دارد:

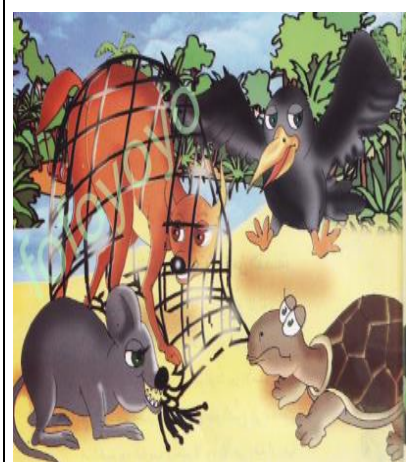
این تصویر معادل بصری این بخش از داستان است: «فَأَشَارَ مَلِكُ الْغُرَبَانِ عَلَى وُزْرَائِهِ الْحَمْسَةِ، وَأَن يَذْكُرَ كُلُّ مِنْهُمْ رَأْيَهُ فِيمَا حَدَّثَ. فَقَالَ الْأَوَّلُ: ...» (البوم والغربان: ۳۶) است که نقل می‌کند: ملکه کلاغ‌ها از پنج وزیرش می‌خواهد راهکارهایی را برای جنگ با جغدها ارائه دهند. معاون اول ملکه در روبروی ملکه قرار دارد و نظر خود را در این باره به سمع ملکه می‌رساند. همان‌طور که مشخص است؛ تصویر در راستای تأیید محتوای متن داستان قرار گرفته است.



این تصویر (القنبرة والفيل: ۶) لک‌لکی را نشان می‌دهد که از لگدمال شدن لانه‌اش توسط فیل (پای فیل در سمت چپ تصویر دیده می‌شود) ناراحت است و این کار فیل را عملی غیراخلاقی می‌داند. متن داستان نیز «وَمَظَاهِرُ الْبَهْجَةِ الَّتِي قَتَلَهَا جَبْرُوتُ الْفِيلِ عِنْدَمَا هَدَمَ مَوْطَنَهُمْ، وَاسْتَبَاحَ حُرْمَتَهُ» دقیقاً در تأیید همین مطلب که در تصویر آمده است، قرار دارد.



در این تصویر (الحمامة المطوقة: ۷۹) آهوئی در دام صیاد دیده می‌شود که دوستانش کلاغ، موش و لاک‌پشت با کمک همدیگر تلاش می‌کنند، آهو را از دام آزاد کنند. متن داستان نیز «عَادَ الْغُرَابُ وَأَخْبَرَهُمْ بِمَا رَأَى، فَأَشَارُوا عَلَى الْجُرَذِ أَنْ يَقُومَ بِقَرْضِ الْجِبَالِ لِئُخْلَصَ مِمَّا هُوَ فِيهِ، فَأَخَذَ الْجُرَذُ فِي قَرْضِهَا، وَبِذَا نَجَا الطَّبِيُّ مِنَ شِبَاكِ الصَّيَادِ» دقیقاً نشانگر و تأییدکننده تصویر است؛ به گونه‌ای که همچون تصویر، در متن نیز جویده شدن طناب‌ها توسط موش و همراهی دوستانه کلاغ و لاک‌پشت با او در جهت آزادسازی آهو بیان شده است.



در تصاویر بالا، ارتباط تصویر و متن، دایره‌ای را در ذهن کودک ایجاد می‌کند که در آن تمرکز کودک دائماً از تصویر به متن و از متن به تصویر در حال حرکت است. این امر موجبات تعامل کودک را با

داستان فراهم می‌آورد که در معناشناسی و علم تأویل به دور هرمنوتیک (Hermenutic Circle) شناخته می‌شود. «کودک از یک سو معانی متن را در تصویر باز می‌یابد و از دیگر سو تصویر به او در فهم متن یاری می‌رساند. نقش این دور در ادبیات کودک باعث شناخت نقش معنا در رابطه میان متن و تصویر می‌شود» (اقبال و رجبی، ۱۳۹۵ش: ۱۰۴).

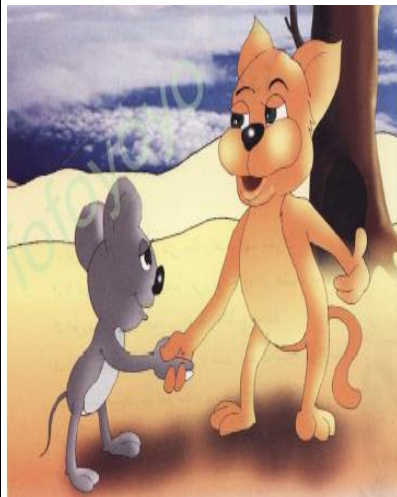
۲-۱-۲- تصویر و متن مکمل

منظور از مکمل آن است که تصویر و متن یک چیز واحد را ارائه می‌دهند و همدیگر را پوشش می‌دهند؛ اما برای کامل کردن همدیگر آمده‌اند. «از آن جا که متن و تصویر انواع اطلاعات مختلفی را انتقال می‌دهند، تکمیل‌کنندگی آن‌ها درباره چیزهای متفاوتی است که یکدیگر را به لطف تفاوت‌هایشان تکمیل می‌کنند. بنابراین تصویر و متن درباره موضوعاتی بحث می‌کنند که دیگری درباره آن‌ها سکوت اختیار می‌کند» (نودلمن، ۱۳۸۹ش ب: ۹۷). بیشتر نویسندگان داستان‌های کودک، انتقال اطلاعات حسی و عاطفی موجود در متن را به تصویرگران می‌سپارند؛ اینجاست که تصویر کارکرد واقعی خود را به نمایش می‌گذارد و از حالت صرف تأیید اطلاعات متن فراتر می‌رود و به مرحله تکمیل اطلاعات قدم می‌گذارد؛ زیرا تصویرگر با خلاقیت خود چیزهایی را به داستان اضافه کرده که در جهت تکامل متن حرکت می‌کند.

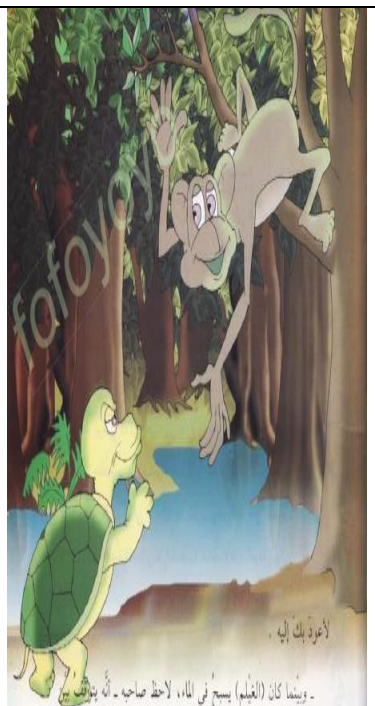
یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که زمینه مکمل شدن تصویر برای متن می‌شود، رفتارها و ارتباطات غیرکلامی؛ به ویژه زبان بدن است. زبان بدن و ارتباطات غیر کلامی دربرگیرنده حرکات و رفتارهایی است که نویسنده در متن به آن اشاره می‌کند تا خواننده به عمق افکار و خواسته‌های وی راه یابد (یاوان‌پوری و همکاران، ۱۳۹۸ش: ۳)، فرایندی که «شامل تمامی جنبه‌های ارتباطی به جز واژگان است» (کلاهچیان، ۱۳۹۲ش: ۱۱۱)؛ بدین گونه که پیام‌رسان بی‌آنکه از گفتار سودی ببرد، پیامش را به پیام‌گیر ارسال می‌کند (أحمد، ۲۰۰۳م: ۳۸). این نشانه‌ها در ارتباطات روزمره از یک سو جایگزینی برای پیام‌های کلامی است و از دیگر سو سبب تقویت آن‌ها می‌گردند (ربایعه، ۲۰۱۰م: ۲۰)؛ از این رو «اهمیت زبان اشاره بدن در نقل افکار و احساسات و اندیشه و عواطف است» (الجبر، ۲۰۱۵م: ۱۹).

در داستان‌های کودک، تصویر زمینه بسیار مناسبی برای توصیف نوع زبان بدن و کارکرد آن است؛ زیرا کودک صرفاً از خلال متن قدرت درک رفتارهای غیرکلامی را ندارد و باید برای درک این مسأله توسط او، ابزاری همچون تصویر در برابر متن قرار گیرد تا بخشی از اطلاعات متن را از خلال تصویر درک نماید. ارتباط مکملی تصویر و متن در داستان‌های منتخب با بسامد ۲۸ (۱۳٪) یکی از ارتباط‌های موفق تصویر و متن در این داستان‌هاست. در زیر به برخی از این تصاویر که در قالب زبان بدن و در جهت تکمیل اطلاعات متن ارائه شده‌است، اشاره می‌شود:

تصویر مقابل (الجرذ والسنور: ۹۵) بیانگر پیمان دوستی میان موش و گربه در قالب زبان بدن (دست دادن با فاصله بسیار نزدیک) است. در متن داستان نیز همین موضوع بیان شده است: «قَالَ الْجُرَذُ: أَنْ يَدُومَ بَيْنَنَا الْوُدُّ عَلَى الْبُعْدِ وَأَرْجُو لَكَ الْبَقَاءَ وَالسَّلَامَةَ»؛ اما از نوع پیمان دوستی آن دو و فاصله ارتباطی آن‌ها و همچنین شیوه استفاده از زبان بدن سخنی به میان نیامده است. در این صورت است که تصویر این خلأ متن را تکمیل می‌کند.



در این تصویر (القرود والغیلیم: ۱۹۱) شکل قرارگیری دو شخصیت داستان (میمون بالای درخت و لاک‌پشت پایین درخت، تقریباً فاصله سه متری) بیانگر فاصله میان آن دو است. هرچند میمون دست خود را به سمت لاک‌پشت دراز می‌کند؛ اما با مطالعه متن داستان متوجه می‌شویم که این نوع دست دادن برای خداحافظی کردن و پایان ارتباط است: «فَفَزَّ الْقِرْدُ إِلَى أَعْلَى الشَّجَرَةِ وَلَمَّا لَمْ يَعْذِ إِلَى صَاحِبِهِ، نَادَاهُ الْغِيلِيمُ أَنْ يَنْزِلَ إِلَيْهِ، فَقَالَ الْقِرْدُ: هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ». کودک صرفاً با مطالعه متن، عمق پیام داستان‌نویس را دریافت نمی‌کند؛ لذا تصویر موردنظر جهت تکمیل اطلاعات متن برای کودک ارائه می‌گردد.



تصویر مقابل (الصفرد والأرنب والسنور: ۱۳۲) بیانگر ارتباط صمیمانه میان پرندۀ ای خوش صورت با زاغی سیاه است. فاصله ارتباطی میان این دو حیوان گویای صمیمیت بیش از حد آنهاست. همچنین شکل دست دادن آنها نیز بر این امر صحنه می گذارد. اطلاعاتی که در این تصویر داده می شود، در متن داستان به صورت جزئی و دقیق بیان نشده است: «أنهما كانا صديقين، يعتز كل منهما بالآخر»؛ لذا تصویر مورد نظر جهت تکمیل اطلاعات متن آمده است و جزئیات این رابطه دوستانه (فاصله نزدیک میان دو پرندۀ، نوع نگاه، دست دادن به همدیگر...) را بصورت بصری برای مخاطب کودک نمایان می سازد.



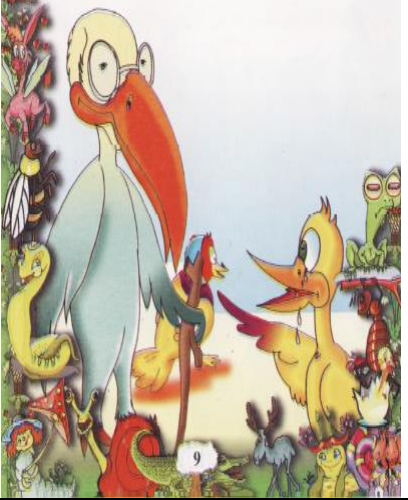
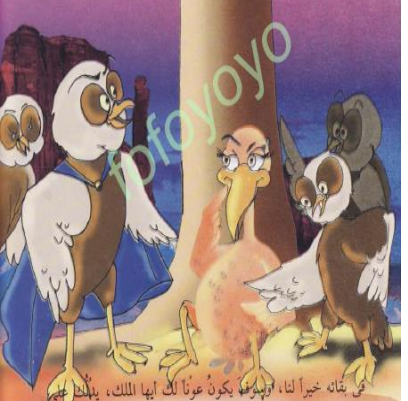
۲-۲-۲- توسعه گرایی تصویر و متن

منظور از توسعه گرایی تصویر و متن این است که تصویر یا متن در راستای توسعه دادن و افزایش اطلاعات همدیگر باشد. این نوع ارتباط تصویر و متن، همیشه در قالب افزایش اطلاعات به مخاطب قرار دارد. توسعه گرایی تصویر و متن، بسته به چگونگی افزایش اطلاعات به چهار نوع زیر تقسیم می شود: ۱. فرامتن- فراتصویر ۲. فزون متن- فزون تصویر ۳. برون متن- برون تصویر ۴. بیش متن- بیش تصویر.

۱-۲-۲-۲- فرامتن- فراتصویر

هرگاه اطلاعات منتقل شده به واسطه تصویر، فراتر از اطلاعات متن باشد، در این صورت رابطه تصویر با متن از نوع فرامتن است. «در چنین تصاویری ظواهر اشیایی که حتی اسمی از آنها در متن نیست، انتقال داده می شود؛ بنابراین کودک از تصویر چیزهایی را می فهمد که حتی واژه های بسیار دقیق هم آن را بیان نمی کند» (نودلمن، ۱۳۸۹ش الف: ۹۴). در این نوع ارتباط، متن سکوت می کند و تصویر سخن می گوید. اگر داستان نویس کودک به هنگام نگارش داستان، در ذهنش خواننده ای نهفته را تصور می کند تا برای او بنویسد؛ تصویرگر کودک نیز به هنگام تصویرگری، بیننده ای نهفته برای خود مجسم می کند. «کسی که می تواند منظور آفریننده تصویر را درک کند و نه تنها می داند چه نوع اطلاعاتی را از هر یک از هر دو رسانه تصویر و متن انتظار داشته باشد، بلکه می داند چگونه برای رسیدن به یک کل،

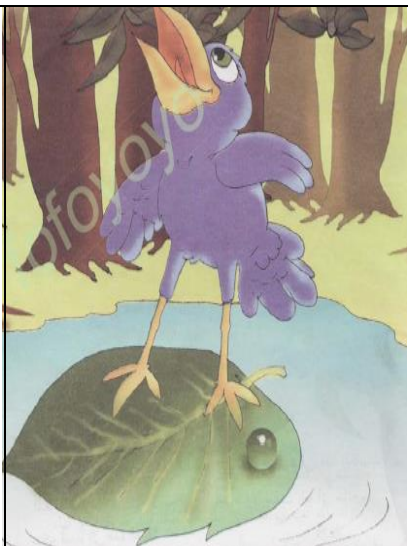
این اطلاعات را کنار هم قرار دهد» (پیروز و دیگران، ۱۳۹۵ش: ۷). در جدول زیر به برخی از فرامتن‌های داستان‌های منتخب اشاره می‌شود:

در متن داستان (القنبرة والفيل: ۲) توضیحاتی دربارهٔ پرنده‌ای داده می‌شود که قصد دارد لانه‌ای بسازد و تخم‌هایش را در آن قرار دهد: «اعتادت القنبرة أن تتخذ لها عُشّاً تضع فيه بيضها»؛ اما تصویر مرحله‌ای فراتر از تخم‌ها یعنی تبدیل شدن آن‌ها به جوجه و خوشحالی مادر را به کودک منتقل می‌کند.	
در ادامهٔ داستان (القنبرة والفيل: ۹) متن از مشورت این پرنده با حیوانی دیگر دربارهٔ مزاحمت‌های اخیر فیل، سخن می‌گوید: «أَيُّكُونُ هَذَا لِأَنَّكَ تَنْظُرُ لَضَعْفِي، حَيْثُ إِنِّي لَأَقْوَى عَلَى رَدِّ عُدُوْنِكَ؟». در متن سخنی از جنس، نوع و نام کسی که مشورت می‌دهد به میان نیامده؛ اما تصویر چیزی فراتر از متن را ارائه داده و پرندهٔ پیری را با عصا و عینک خاص که نشانگر تدبیر و خردورزی است، به نمایش می‌گذارد.	
در متن داستان (البوم والغراب: ۴۶) صرفاً از توصیه‌های جغد پیر به دیگر جغدها در ارتباط با دوستی و مهربانی با کلاغ سخن می‌گوید و هیچ اشاره‌ای به شکل و شمایل کلاغ نشده است: «وَأَمَرَ الْمَلِكُ أَنْ يُفَرَّقَ بِالْغُرَابِ، وَيَزَادَ فِي إِكْرَامِهِ»؛ اما تصویر، کلاغی را نشان می‌دهد که با شکم بزرگی در میان اشارات دیگر جغدها قرار دارد.	

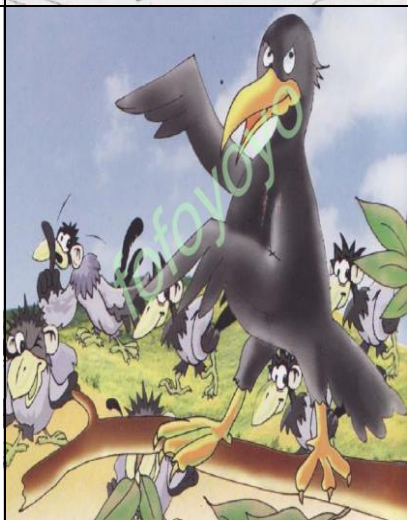
منظور از فراتصویر، آن بخش از متن است که اطلاعاتی فراتر از تصویر به مخاطب منتقل می‌کند (نودلمن، ۱۳۸۹ش الف: ۹۴). برخی از مفاهیم انتزاعی همچون رهایی، آزادی، شکست، پیروزی و صداقت را نمی‌توان به خوبی در قالب تصویر به کودک ارائه نمود؛ بنابراین تصویر به راحتی از کنار

آن‌ها می‌گذرد و انتقال آن را به متن واگذار می‌کند. این متن است که وظیفه انتقال این مفاهیم را برعهده دارد:

در متن داستان (المکاء الطائر والسرطان: ۱۴۹) مفهوم زندگی و خوشبختی حیوانات (کلاغ) و امنیت و آرامش به کودک توضیح داده می‌شود: «كَانَ مِمَّا يَزِيدُ فِي تَعْمِهَا وَسَعَادَتِهَا، مَا يَحِيطُ بِهَا مِنَ الْأَمْنِ وَالْأَطْمِنَانِ». تصویری که برای این متن انتخاب شده است، فقط کلاغی است ایستاده بر روی برگ در وسط آبگیر (توصیفاتی که در متن نیز به آن اشاره شده است). متن وظیفه انتقال این مفهوم انتزاعی را برعهده داشته و کارکردی فراتر از تصویر دارد.



در متن داستان (البوم والغربان: ۳۷) از آمادگی کلاغ‌ها برای دفاع از خانه و ایستادگی در برابر تجاوز دشمن و شکست او سخن گفته می‌شود: «إِنَّمَا الْوَاجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نُعَدَّ الْعِدَّةَ وَنَهَيَّ أَنْفُسَنَا لِلِقَاءِ الْعَدُوِّ وَنَبْذُلُ أَقْصَى جَهْدِنَا فِي صَدِّهِ عَلَيْنَا». این مفهوم انتزاعی از طریق واژگان برای کودک بهتر قابل فهم است، هرچند در تصویر نیز (جمع شدن چند کلاغ دور رئیس کلاغ‌ها برای شنیدن توصیه‌های وی) اشاراتی جزئی به این مسأله می‌شود.



در متن داستان (ابن الملک و ابن الشریف: ۲۱۲) مفهوم زندگی و قضا و قدر و بردباری در برابر مشکلات زندگی و تقدیر برای کودک توضیح داده می‌شود: «إِنَّ عَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ يَصْبِرَ عَلَى الْقَضَاءِ وَالْقَدَرِ، لَأَنَّ كُلَّ مَا فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ مُرْتَبَطٌ بِهِمَا». تصویری که برای این متن انتخاب شده است، دو پسر در بیابان است که در حال صحبت کردن با هم هستند، و نمی‌تواند تصویری از زندگی و قضا و قدر را به نمایش بگذارد. پراواضح است که متن نیز فراتر از تصویر عمل نموده است.	
--	--

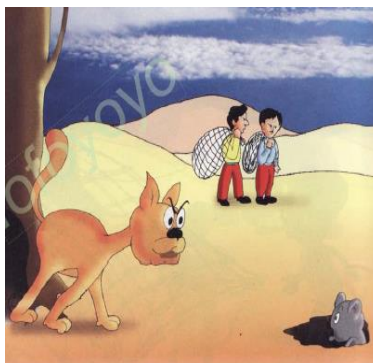
۲-۲-۲-۲- فزون متن - فزون تصویر

منظور از فزون متن، اطلاعاتی از تصویر است که داستان‌نویس می‌تواند از طریق متن به کودک انتقال دهد؛ اما ترجیح می‌دهد صرفاً از طریق تصویر آن‌ها را منتقل نماید (نودلمن، ۱۳۸۹ش الف: ۹۴)؛ بنابراین در ارتباط فزون متنی، متن قابلیت انتقال اطلاعات را دارد؛ اما این کار را انجام نمی‌دهد و به تصویر بسنده می‌کند.

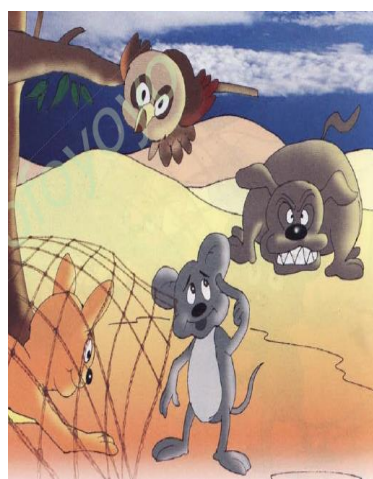
در حقیقت این نوع از تصاویر «جزء مهم‌ترین تصاویری هستند که کلمات می‌توانند در کنارشان قرار بگیرند، یعنی جالب‌ترین و مرتبط‌ترین تصاویر در هنگامی که چند واژه برای ملحق‌شدن به آن‌ها داشته باشیم» (همان: ۹۳). فزون متنی پربسامدترین روابط تصویر و متن (۲۷٪) در داستان‌های منتخب است. در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

در متن داستان (الصفرد والأرنب والسنور: ۱۳۷)، از دوستی میان کلاغ و پرنده خوش‌صورت و رابطه دوستی میان آن دو حرف می‌زند: «قَالَ الْغُرَابُ: إِنَّ الصَّدِيقَ الَّذِي يَصْفُو لِصَدِيقِهِ دَائِمًا وَتَرَبُّطُ بَيْنَهُمَا رَوَابِطُ الْمَحَبَّةِ وَالْمُودَةِ لَا يَتَرُكُ النَّصِيحَةَ». در تصویر اطلاعاتی فزون بر متن داده می‌شود. (خرگوشی که به لانه پرنده نگاه می‌کند) که داستان‌نویس نیز می‌توانست آن‌ها را با واژگان بیان کند؛ اما با هدف ایجاد تعامل سازنده کودک با متن و تصویری، ترجیح داد با تصویر ارائه شود.	
--	--

متن داستان (الجرذ والسنور: ۸۳) حاکی دشمنی موش و گربه است و سخنی از حضور شکارچی‌ها در صحنه ندارد: «يَرْجِعُ هَذَا الْعَدَاءُ بَيْنَ السَّنُورِ وَالْجُرْذِ إِلَى طَبِيعَةِ كُلِّ مِنْهُمَا»؛ اما تصویر اطلاعاتی افزون بر متن به مخاطب ارائه می‌دهد؛ اطلاعاتی که نویسنده می‌توانست آن‌ها را در متن نیز بگنجانند؛ اما با بیان آن در قالب تصویر بعد بصری کودک را در درک مفهوم داستان شریک نموده و موجب تعامل بیشتر کودک با متن و تصویر داستان شده است.

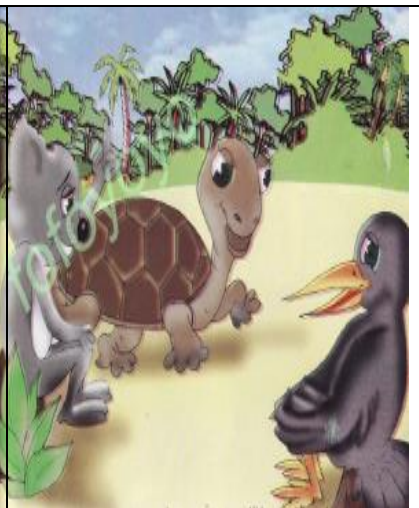


متن داستان (الجرذ والسنور: ۸۵) از موشی سخن می‌گوید که برای یافتن غذا از لانه بیرون آمده و گربه‌ای را داخل تور صیادان می‌بیند و سخنی از حضور سگ و جغد به عنوان دشمنان گربه به میان نمی‌آید: «كَانَ الْجُرْذُ هُوَ الْآخِرُ يَتَأَهَّبُ سَعِيًّا وَرَاءَ الرِّزْقِ، نَظَرَ أَمَامَهُ فَوَجَدَ جَارَهُ السَّنُورَ فِي وَرْطَتِهِ»؛ تصویر این اطلاعات اضافی را ارائه می‌دهد؛ اطلاعاتی که نویسنده می‌توانست از طریق متن نیز ارائه نماید؛ اما در بیان آن از تصویر کمک گرفته است تا با این ترفند، بر خلاقیت ذهنی و تصویری کودک و نهایتاً درک بهتر داستان توسط کودک بیفزاید.



فزون تصویر به روابطی از تصویر و متن اشاره دارد که در آن، متن اطلاعاتی افزون‌تر از تصویر ارائه می‌دهد؛ اطلاعاتی که تصویرگر می‌تواند آن‌ها را از طریق تصویر به مخاطب ارائه دهد؛ اما این کار را تنها به متن واگذار می‌نماید (نودلمن، ۱۳۸۹ش الف: ۹۴). این ارتباط جزء کم‌بسامدترین روابط تصویر و متن (۲٪) در داستان‌های منتخب است. در زیر به یک نمونه از آن اشاره می‌شود:

متن داستان (الحمامة المطوقة: ۷۸)، درباره آهوئی صحبت می‌کند که به چشمه آب آمده و در همین حین با لاک‌پشت دوست می‌شود. در تصویر گربه، لاک پشت و کلاغی دیده می‌شود که در حال صحبت کردن هستند؛ اما اشاره‌ای به آهو و دوستی‌اش با لاک‌پشت نشده است. تصویرگر می‌توانست این مسئله را نیز در قالب تصویر بیان نماید که این کار را صرفاً به متن واگذار نمود.



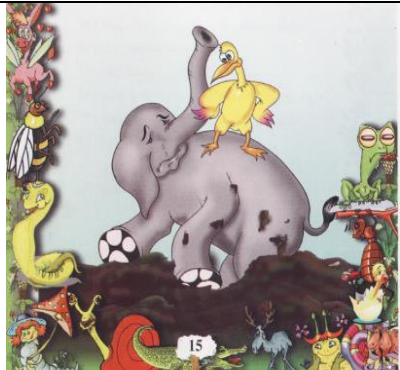
لازم به ذکر است که شاید ارتباط فزون‌متنی و فزون‌تصویری در وهله نخست بیانگر نارسایی متن یا تصویر باشد؛ اما اینچنین نیست و چنین واگذاری یک‌طرفه اطلاعات به متن یا تصویر، صرفاً جهت تمرکززدایی کودک رخ می‌دهد. این در حالی است که روانشناسان تربیتی معتقدند «زمانی که ادبیات بتواند به تمرکززدایی در ذهن کودک بینجامد به پرورش خلاقیت ذهن وی کمک می‌کند» (خسرونژاد، ۱۳۸۲ش: ۱۷۸). تمرکززدایی در داستان‌های کودک سبب می‌شود کودک نخست بر تصاویر داستان تمرکز کرده و با تکیه بر آنچه پیش از این در محیط پیرامونی خود آموخته، در ذهن خویش انتظار رایج و معمول را از روند تصویر داشته باشد؛ اما به ناگاه «تصویرگر با ارائه تصویر و یا بُعدی متفاوت و خلاف انتظار از تصویر ذهنی کودک، فرایند ذهنی او را در معرض غافلگیری قرار می‌دهد» (أبوالعدوس، ۲۰۰۷م: ۸۰).

۳-۲-۲- برون‌متن - برون‌تصویر

ارتباط برون‌متنی در صورتی رخ می‌دهد که تصویر، اطلاعاتی کلی از یک واقعه یا پدیده را ارائه دهد. گاه داستان‌نویس در قالب واژگان نمی‌تواند شمایی کلی از یک پدیده را به کودک بیان نماید؛ لذا این وظیفه را به تصویرگر محول می‌کند و تصویرگر با درک درست نسبت به متن و ارتباط آن با دنیای کودک، تصویری کلی از آن پدیده را برای کودک نقاشی می‌کند (نودلمن، ۱۳۸۹ش الف: ۹۵). در این صورت است که تصویر، اطلاعاتی بیرون از متن (برون‌متن) ارائه می‌دهد.

ارزش تصاویر برون‌متن بدان‌جهت است که علاوه بر زیباسازی بصری، با قدرتمندی تمام، محتوای داستان را نیز مدنظر قرار می‌دهد. «تنها در این صورت است که علاوه بر این که به تخیل کودک کمک می‌کند، مفهومی را که در آن مستتر است نیز قابل رؤیت می‌سازد» (شوارتز، ۱۳۷۳ش: ۳۸). خلاقیت تصویرگر در روابط برون‌متنی، باعث اوج دادن متن می‌شود و این مسئله تأثیری متفاوت در کودک ایجاد

می‌کند. «او روایت دیگری را بیان و در ذهن کودک می‌سازد. به این دلیل که کودک هیچ چیزی از تصویر در متن نوشتاری نمی‌یابد، از جستجو، کنکاش و درکی که خود از تصویر می‌کند، لذت برده و در واقع تصویرگر او را به فکر وامی‌دارد» (علائی، ۱۳۸۹، ش: ۳۶). تصاویر برون‌متن جزو روابط پربسامد (۱۱٪) داستان‌های منتخب است.

حاشیه‌نگاری اطراف تصویر (القنبره والفیل: ۱۵) شمایی کلی از تعدادی از حیوانات جنگل را نشان می‌دهد که دور هم جمع هستند و در کلیت داستان نقش‌آفرینی می‌کنند. این حاشیه در تمام تصاویر این داستان تکرار می‌شود و کلیت داستان را پیش می‌برد.	
در این تصویر (المکاء الطائر والسرطان: ۱۴۷) کودک با نحوه حمام کردن فیل‌ها آشنا می‌شود. مسئله‌ای که در طول متن داستان به آن اشاره‌ای نمی‌شود؛ اما می‌تواند شمایی کلی از زندگی فیل‌ها را به کودک معرفی نماید.	
شمای کلی تصویر (الصفرد والأرنب والسنور: ۱۳۰) تعدادی از حیوانات را نشان می‌دهد که با هم در جنگل زندگی می‌کنند. این مسئله به صورت جزئی در متن بیان نشده‌است و صرفاً کلیت داستان به این مسئله اشاره دارد.	

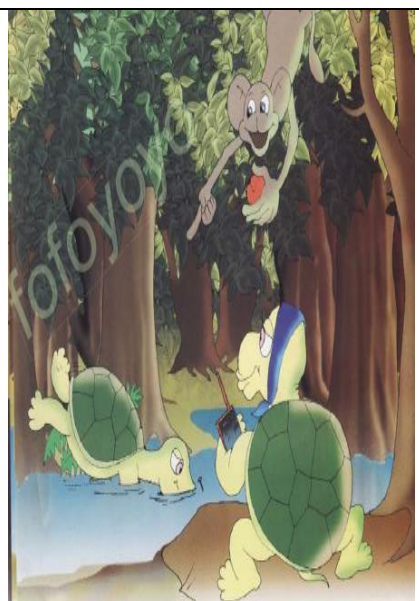
ارتباط برون‌تصویری در صورتی رخ می‌دهد که تنها متن، شمایی کلی از یک واقعه یا پدیده را توضیح دهد و این مسئله توسط تصویر پوشش داده نشود. به دلیل این‌که درک چنین ارتباطی برای کودک اندکی با سختی و ابهام همراه است؛ لذا این نوع ارتباط در داستان‌های منتخب یافت نشد.

۴-۲-۲- پیش‌متن - پیش‌تصویر

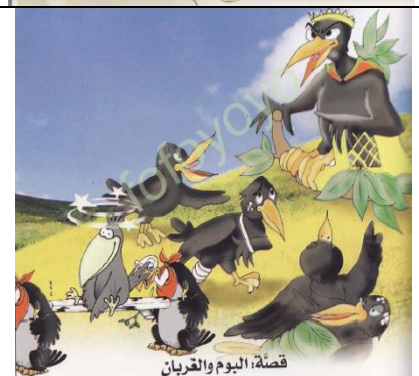
پیش‌متن «به جزئیاتی از داستان گفته می‌شود که در متن به آن اشاره‌ای نشده است؛ اما این جزئیات در تصویر وجود دارد و برای مخاطب اطلاعات تازه‌ای منتقل می‌کند» (نودلمن، ۱۳۸۹: ۸۹). همان اندازه که اطلاعات کلی و شمای کلی یک پدیده اهمیت دارد؛ توجه به جزئیات نیز امری ضروری است؛ زیرا «به کمک همین جزئیات می‌توان تخیل خواننده را به کار انداخت و صفات درونی شخصیت‌ها را برای او آشکار کرد» (اسماعیلی سهی، ۱۳۷۷: ۹۷). این اطلاعات جزئی را تصویر به ما می‌دهد، این تصویر است که تمام اتفاقات یک پدیده یا رخداد را با ذکر جزئیات، برای کودک به نمایش می‌گذارد و او را با خود به آن لحظه و روایت قصه می‌برد.

در تصاویر زیر از آن‌جا که متن درباره تمام آنچه در تصویر دیده می‌شود صحبت نمی‌کند، کودک مشتاقانه در تصاویر به جست‌وجو می‌پردازد و تعامل سازنده و پویا با آن، احساس لذت و قدرت می‌کند:

در تصویر (القرء والغیل: ۱۸۶) لاک‌پشتی دیده می‌شود که در حال شیرجه‌رفتن وسط برکه است و این امر موجبات خنده دیگر حیوانات (میمون و لاک‌پشت دوم) را فراهم می‌آورد. لاک‌پشت دوم برای ثبت این لحظه، با ابزاری نامتعارف در متن داستان (گوشی دوربین‌دار) این کار را انجام می‌دهد. در متن داستان هیچ سخنی از این صحنه جزئی لاک‌پشت دوم به میان نیامده است؛ اما تصویرگر برای برهم‌زدن تمرکز کودک از متن به تصویر، این خلاقیت را به خرج داده است.

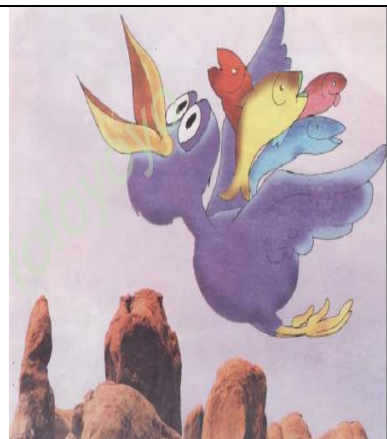


در گوشه سمت چپ تصویر (البوم والغربان: ۳۵) وجود دو کرکس چنگال به دست جهت خوردن یکی از کلاغ‌ها، اتفاقی جزئی است که در متن داستان به آن اشاره‌ای نشده است و پیرنگ داستان نیز به این سمت قرار ندارد؛ اما تصویرگر از این ترفند برای افزایش جذابیت داستان استفاده می‌کند.



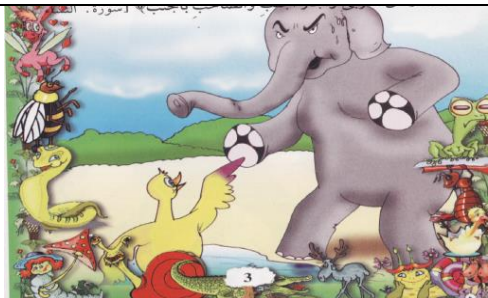
قصه: البوم والغربان

اختلاف فاحش در تعداد ماهی‌هایی که سوار بر بال لک‌لک هستند (المکاء الطائر والسرطان: ۱۵۸) یکی دیگر از جزئیاتی است که در متن به آن اشاره‌ای نشده‌است؛ اما تصویر این مسئله را پوشش می‌دهد (در متن تعداد ماهی‌ها ۲ عدد است و در تصویر ۴ عدد) و به گونه‌ای ارتباط بیش‌متنی این تصویر را تقویت می‌کند.



ارتباط بیش‌تصویری نیز به آن دسته از ارتباط تصویر و متن گفته می‌شود که در متن داستان، اطلاعات جزئی و تازه‌ای به مخاطب ارائه گردد؛ اما این اطلاعات در تصویر وجود نداشته باشد. ارتباط بیش‌تصویری از جمله روابط کم‌بسامد تصویر و متن (۳٪) در داستان‌های منتخب است.

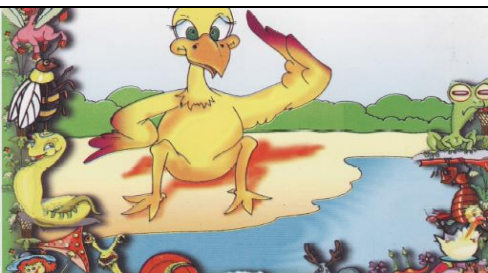
در متن داستان (القنبرة والفیل: ۳) اطلاعات جزئی راجع به مناطق استوایی داده می‌شود: «ارتفاعُ دَرَجَةِ الحَرارةِ عَن مُعدِّلِها الطبیعیِّ کما یحدثُ فی المناطقِ الاستوائية» و کودک نسبت به میزان گرمای دما در آن مناطق اطلاعاتی جزئی کسب می‌کند؛ اما در تصویر مرتبط به آن متن، این اطلاعات ارائه نمی‌شود.



در داستان (المکاء الطائر والسرطان: ۱۴۶) نیز متن داستان اطلاعات جزئی درباره شیوه خانه‌سازی پرندگان ارائه می‌دهد: «انَّ طائراً صَغیراً یُسَمی المکاء اتخذَ لَهُ عُشّاً فی شَجَرَةٍ عالیةٍ الثَفَّتْ أغصانُها وَالتَفَّتْ فُرُوعُها» که در تصویر به این مسئله نیز اشاره‌ای نشده‌است.



در متن داستان (القنبرة والفیل: ۸) از گریه پرنده صحبت کرده است: «أنا أبکی حَزینةً لِعَلِّه یَرُقُ لِحالی وَیعتذرُ لی عَمَّا حَدَثَ مِنه» که این مسئله نیز در تصویر مرتبط با آن متن پرنده گریان نیست.



نتیجه‌گیری

در پاسخ به پرسش نخست پژوهش باید گفت ارتباط تصویر و متن در این داستان‌ها به شکل چشم‌گیری زمینه‌های تعامل کودک با داستان را فراهم می‌آورد. از آن‌جا که جاذبه و دافعه کودک را باید بر مبنای رسایی و نارسایی ارتباط تصویر و متن سنجید و از دیگرسو از مجموع ارتباط تصویر و متن در این داستان‌ها (بسامد ۲۳۱) سهم رسایی ارتباط ۲۱۵ بار (۹۴٪) بوده‌است؛ لذا داستان‌نویس و تصویرگر شناخت کاملاً درستی از سلاقی و خواسته‌های کودک داشته و بر مبنای خواسته‌های وی تصویر و متن داستان‌ها را به یکدیگر مرتبط ساختند؛ بنابراین کودک به درستی می‌تواند در متن داستان مداخله نماید و با آن تعامل سازنده داشته‌باشد.

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش باید گفت برجسته‌ترین کارکرد رابطه تصویر و متن در داستان‌های منتخب در راستای توسعه‌گرایی تصویر و متن (۶۱٪) است. همچنین نقش تصاویر در توسعه‌دادن و افزایش اطلاعات داستان به نسبت متن بسیار بیشتر بوده است. مؤید این مدعا ترتیب پربسامدترین روابط توسعه‌گرایی است که غالباً به روابط تصویر (به ترتیب: فزون‌متنی (۲۷٪)، برون‌متنی (۱۱٪) و بیش‌متنی (۱۰٪) اختصاص دارد. جدول زیر گویای بسامد و درصد کارکرد روابط تصویر و متن و رسایی و نارسایی این روابط است.

مجموع	نارسایی ارتباط تصویر و متن (-)	رسایی ارتباط تصویر و متن (+)										
		توسعه‌گرایی تصویر و متن								همسوگرایی تصویر و متن		
		۱۴۱								۷۴		
		برون‌تصویری	فرا‌متنی	فزون‌تصویری	پیش‌تصویری	فرا‌تصویری	پیش‌متنی	برون‌متنی	فزون‌متنی	مکملی	تأیید‌گری	
۲۳۱	۱۶	۰	۳	۵	۷	۱۶	۲۳	۲۶	۶۱	۲۸	۴۶	بسامد
۱۰۰٪	۶٪	۰	۱٪	۲٪	۳٪	۷٪	۱۰٪	۱۱٪	۲۷٪	۱۲٪	٪ ۲۱	درصد

با نگاه به جدول بالا و انطباق روابط تصویر و متن بر کودک و دنیای تخیلات وی چنین نتیجه گرفته می‌شود که در این داستان‌ها قدرت بازشناسی تصویر همراه با هوش داستانی در کودک، برای رشد شناختی و تفکر خلاق وی در زمینه‌های گوناگون مؤثر است. داستان‌های منتخب که در حد بالایی از

رسایی ارتباط تصویر و متن (۹۴٪) قرار دارد، می‌تواند از نخستین محرک‌های شناختی کودک به شمار آید و او را به شکل ذاتی برای کندوکاو و ارتباط دنیای خیالی خود با واقعیت آماده سازد.

محمد العبد، نویسنده و هشام حسین، تصویرگر این داستان‌ها برای منعکس کردن روابط تصویر و متن و دوجندان کردن تأثیر تصویر بر متن و بالعکس، از کیفیات گوناگون هنرهای متفاوتشان برای انتقال اطلاعات مختلف سود برده و به بهترین وجه ممکن از این قابلیت استفاده نمودند. در چنین حالتی است که تصویر و متن داستان‌های منتخب با یکدیگر ارتباطی تنگاتنگ پیدا کرده و ذهن کودک را برای بازگشایی این ارتباط به تکاپو می‌اندازند و او را به تعامل با تصویر و متن فرامی‌خوانند.

منابع

منابع عربی

- أبو العدوس، یوسف. (۲۰۰۷م). *الأسلوبية والتطبیق*، ط ۱، الأردن: دارالمسیرة.
- أبو الفرج، محمد أحمد. (۱۹۹۶م). *المعاجم اللغوية فی ضوء الدراسات علم اللغة الحديث*، بیروت: دارالنهضة العربية.
- أحمد، محمد أمين موسى. (۲۰۰۳م). *الاتصال غیر اللفظی فی القرآن الکریم*، ط ۱، الشارقة: دار الثقافة والإعلام.
- بروکس، مارگریت. (۲۰۱۲م). «رسم الأطفال الصغار وتصورهم واكتشافاتهم للمشكلات الکرية»، *مجلة رؤى تربوية*، السنة ۱۳، العدد ۳۶، صص ۹۱-۱۰۳.
- بریغش، محمد حسن. (۱۹۹۶م). *أدب الأطفال أهدافه وسماته*، ط ۲، بیروت: الرسالة.
- الجبر، خالد عبدالروؤف. (۲۰۱۵م). «لغة الجسد فی التراث العربی»، *مجلة جامعة القدس للبحوث الإنسانية والاجتماعية*، السنة ۱۳، العدد ۳۶، صص ۵۰-۱۱.
- ربابعة، أسامة جمیل عبدالغنی. (۲۰۱۰م). *لغة الجسد فی القرآن الکریم*، جامعة النجاح الوطنية: رسالة الماجستير.
- عبیده صبطی، ساعد ساعد. (۲۰۱۱م). *الصورة الصحفية: دراسة سيميولوجية*، القاهرة: المكتب الجامعي الحديث.
- كعسيس، بدرة. (۲۰۱۰م). *سيمائية الصورة فی تعليم اللغة العربية*، جامعة فرحات عباس رسالة الماجستير.
- محمد العبد، محمد. (۱۹۹۹م). *القنبرة والفیل*، طنطا: دار الصحابة.
- محمد العبد، محمد. (۱۹۹۹م). *المکاء الطائر والسرطان*، طنطا: دارالصحابة.
- محمد العبد، محمد. (۱۹۹۹م). *البوم والغریان*، طنطا: دار الصحابة.
- محمد العبد، محمد. (۱۹۹۹م). *الحمامة المطوقة*، طنطا: دار الصحابة.
- محمد العبد، محمد. (۱۹۹۹م). *الجرذ والسنور*، طنطا: دار الصحابة.
- محمد العبد، محمد. (۱۹۹۹م). *القرد والغیل*، طنطا: دار الصحابة.

- محمد العبد، محمد. (۱۹۹۹م). *الصفرد والأرنب والسنور*، طنطا: دار الصحابة.
- محمد العبد، محمد. (۱۹۹۹م). *الأسد والثور*، طنطا: دار الصحابة.
- محمد العبد، محمد. (۱۹۹۹م). *ابن الملك وابن الشريف*، طنطا: دار الصحابة.
- محمد العبد، محمد. (۱۹۹۹م). *السائح والصائغ*، طنطا: دار الصحابة.
- محمد عطاء، إبراهيم. (۱۹۹۴م). *عوامل التشويق في القصة القصيرة لطفل المدرسة الابتدائية*، ط ۱، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية.
- نیروخ، سمیرة. (۲۰۰۴م). «تذوق الأدب المصور ونفاذه إلى عقل وقلب الطفل»، *مجلة الكرمة*، السنة ۲، العدد ۴، صص ۲۹-۴۷.

منابع فارسی

- اسماعیلی سهی، مرتضی. (۱۳۷۷ش). «زنجیره و پیوستگی تصاویر کمیک / استریپ»، *حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی: نقد سینما*، دوره ۵، ش ۱۴، صص ۹۶-۱۰۷.
- اقبالی، پرویز. (۱۳۹۰ش). *تبیین رابطه تصویر و متن در تصویرسازی کتاب‌های داستانی کودک در ایران از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۰*، دانشگاه شاهد: پایان نامه کارشناسی ارشد.
- اقبالی، پرویز، محمد علی رجبی. (۱۳۹۵ش). «شناخت تصویرسازی کتاب بر اساس رابطه میان متن و تصویر»، *فصلنامه علمی نگره*، دوره ۱۱، ش ۳۷، صص ۱۰۳-۱۱۵.
- البرزی، محبوبه. (۱۳۹۴ش). «مؤلفه‌ها و مهارت‌های تفکر خلاق در کتاب‌های تصویری داستانی: تحلیلی بر مجموعه کتاب‌های مرغک»، *مجله مطالعات ادبیات کودک*، دوره ۶، ش ۱، صص ۱-۲۸.
- باوانپوری، مسعود، عبدالاحد غیبی، مهین حاجی زاده، خلیل پروینی. (۱۳۹۸). «نشانه شناسی ارتباطات غیرکلامی در رمان "الطیالانی" اثر شکری المبخوت»، *فصلنامه لسان مبین*، دوره جدید، ش ۳۸، ص ۱-۲۲.
- پیروز، غلامرضا، سروناز ملک، محدثه فتوت. (۱۳۹۵ش). «بررسی هم‌پیوندی متن و تصویر در شش داستان دفاع مقدس کودکان بر اساس نظریه پری نودلمن»، *مجله مطالعات ادبیات کودک*، دوره ۷، ش ۲، صص ۲-۲۸.
- حسام‌پور، سعید؛ ملیحه مصلح. (۱۳۹۳ش). «تازنمای برهم‌کنشانه متن و تصویر با بررسی تطبیقی کتاب‌های برتر داستانی تصویری ایرانی و غیر ایرانی بر پایه نظریه ماریا نیکولایوا و کارول اسکات»، *مجله مطالعات ادبیات کودک*، دوره ۵، ش ۲، صص ۲۵-۵۴.
- خسرونژاد، مرتضی. (۱۳۸۲ش). *معصومیت و تجربه*، تهران: مرکز.
- شوارتز، جوزف. (۱۳۷۳ش). *تصویرگر و استعاره کلامی*، ترجمه: زهره قایینی، مجله رویش.

- صفاری، سمیرا. (۱۳۹۳ش). «بررسی ساختارهای تصویرگری کتاب کودک و نوجوان»، *مجله چیدمان*، دوره ۳، ش ۷، صص ۸-۱.
- علائی، افسانه. (۱۳۸۹ش). *بررسی ارتباط متن و تصویر در تصویرسازی کتاب‌های کودکان*، دانشگاه هنر: پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- عرب یوسف‌آبادی، عبدالباسط؛ اویس محمدی؛ مژگان بیات کشکولی. (۱۳۹۷ش). «بررسی ادب‌مندی استراتژی‌های بیان در داستان‌های کودکان شادی فقیه»، *فصلنامه لسان مبین*، دوره ۹، ش ۳۲، صص ۶۳-۸۰.
- قاینی، زهره. (۱۳۷۷ش). «کتاب‌های مصور و کتاب‌های تصویری کودکان»، *مجله ادبیات کودک و نوجوان*، دوره ۴، ش ۱۱، صص ۱۱-۱۹.
- کلاهچیان، فاطمه و زهرا جمشیدی. (۱۳۹۲). «بررسی کارکرد رفتارها و ارتباطات غیرکلامی در شازده/احتجاج»، *مجله جستارهای داستانی در ادب فارسی*، دوره ۱، ش ۳، صص ۱۱۱-۱۳۴.
- نودلمن، پری. (۱۳۸۹الف). «پیوند واژگان و تصاویر»، *تهران: کتاب ماه کودک و نوجوان*، ترجمه: بنفشه عرفانیان، ش ۱۱، پیاپی ۱۵۵، صص ۸۹-۹۵.
- نودلمن، پری. (۱۳۸۹ب). «رخسار بی پرده»، *کتاب ماه کودک و نوجوان*، ترجمه: بنفشه عرفانیان، ش ۳، پیاپی ۱۵۹، صص ۱۰۰-۱۰۴.

منابع لاتین

- Barthes, R (1997). "The Photographic Message" in R. Barthes (ed.). **Image-Music- Text**, Pp 15-31.
- Marsh, E.E & White, M.D. (2003). "A Taxonomy of relationships between images and Text". **Journal of documents**, 59 (6). Pp: 647-672.

تكاملية العلاقة بين الصورة والنص في عملية تلقي قصص الأطفال لمحمد العبد وفقاً لآراء بيرى نودلمان

علي أصغر حبيبي، أستاذ مشارك في اللغة العربية وآدابها بجامعة زابل
عبدالباسط عرب يوسف آبادي، أستاذ مساعد في اللغة العربية وآدابها بجامعة زابل
مزگان بيات كشكولي، ماجستير في اللغة العربية وآدابها بجامعة زابل

الملخص

مما لاشك فيه أن القصص المصوّرة تعرّف الأطفال على وسيطتي الصورة والنص في آن واحد، والطفل بإمكانه أن يركز على النص بدلاً من الصورة وعلى العكس، وأحياناً ما تؤدي هذه اللامركزية إلى شيوع خلل في عملية التلقي وفهم القصة والتواصل مع النص. إذ يعتقد بيرى نودلمان، وهو من منظري عملية التواصل، أن العلاقة بين الصورة والنص تتحقّق بين مرحلتين: إما هذه العلاقة وثيقة وتكامل الصورة والنص فيها معاً؛ وإما علاقة متزلزلة لا تناسب الصورة النص ولا يرافق النص الصورة فيها. فيقدم نودلمان عدداً من المؤشرات التي يمكن من خلالها تحليل العلاقة بين النص والصورة ودراستها، حيث يمكن البحث عن دور النص والصورة في نقل المعلومات إلى الطفل. جاءت هذه الدراسة معتمدةً على المنهج الوصفي-التحليلي للبحث عن عدد من القصص المختارة لمحمد العبد، القاصّ المصريّ للأطفال، وفقاً للمؤشرات التي أشار إليها نودلمان. والجدير بالذكر أن محمد العبد قد أجرى أثناء كتابة القصص علاقةً وثيقة بين نص قصصه وصورها كي تساعده في عملية نقل المعلومات إلى الطفل وتحقيقاً هدف الكاتب من كتابة القصص. فتدلّ نتائج البحث على أن الصورة والنص في علاقة وثيقة معاً (نسبة ٩٤%) وأن مؤشرة التطور لها دور هام (٦١%) في عملية تلقي القصص لدى الطفل. لذلك يمكن القول أن القاصّ (محمد العبد) والرسّام (هشام حسين) على دراية تامة بعوالم الطفل ورغباته، فمن هذا المنطلق قد أجرى القاص محمد العبد علاقة وثيقة بين نص القصص وصورها كي يتماهي الطفل مع القصص ويشارك في عملية القراءة والتواصل.

كلمات مفتاحية: الصورة، النص، بيرى نودلمان، التطور، تفاعل الطفل، محمد العبد.

-

*-تاريخ الوصول: ١٣٩٩/٠٣/١٦ تاريخ القبول: ١٣٩٩/٠٦/١٥

-عنوان البريد الإلكتروني للكاتب المسؤول: ali_habibi@uoz.ac.ir

-المعرّف الرقمي (DOI): 10.30479/lm.2020.13345.3034